

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال سیزدهم شماره ۵۱ پاییز ۱۳۹۷

برازش روابط علی-ساختاری بزهکاری با اسناد خطا و اجبار والدینی با واسطه‌گری خود-کنترلی

منصور بیرامی^۱

تورج هاشمی^۲

حمید پورشریفی^۳

مرتضی عندلیب کورایم^۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر برازش روابط علی-ساختاری اجبار والدینی و اسنادهای علی با بزهکاری با واسطه‌گری خود-کنترلی در بین مددجویان مراکز اصلاح و تربیت می‌باشد. بدین منظور در یک طرح پژوهشی توصیفی-همبستگی گذشته‌نگر، از بین مددجویان کانون اصلاح و تربیت تهران تعداد ۲۵۸ مددجو با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس به‌عنوان آزمودنی انتخاب شد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه خود گزارشی فرزندپروری آلاباما- نسخه فرزند (APQ)، پرسشنامه خود-کنترلی تانجی (SCS)، پرسشنامه اسناد خطا گودجانسون (GBAI) و مقیاس جرم و خشونت (CVS) گردآوری شد. اطلاعات گردآوری شده توسط روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) با استفاده از نرم افزار AMOS-Graphic تحلیل گردید. نتایج حاصل نشان داد که برازش مدل مفهومی پیشنهادی بعد از اصلاح، مورد تأیید قرار گرفت. بررسی مسیرهای مستقیم ارتباط متغیرهای مورد بررسی نشان

۱- استاد تمام روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۲- استاد تمام روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۳- دانشیار روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۴- دکتری روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

داد که مسیر مستقیم متغیر اجبار والدینی به صورت مثبت و متغیر اسناد خطا و خود-کنترلی به صورت منفی با بزهکاری معنی‌دار می‌باشد. به منظور بررسی معنی‌داری مسیرهای غیرمستقیم از روش بوت استراپ استفاده شد و نتایج نشان داد که خود-کنترلی بین اجبار والدینی و اسناد خطا با بزهکاری به صورت جزئی میانجی‌گری می‌کند. پژوهش حاضر نقش برخی از پیشابندهای تأثیرگذار بر بزهکاری را بررسی کرده و در درک بهتر علل پدیده بزهکاری شواهد تجربی به دست آورده است. یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر می‌تواند مورد استفاده روانشناسان جنایی، جرم‌شناسان و سایر متخصصان مرتبط قرار گرفته و در جهت پیشگیری از جرم نقش داشته باشد.

واژگان کلیدی: بزهکاری؛ اجبار والدینی؛ اسناد خطا، خود-کنترلی

مقدمه

اصطلاح بزهکاری در سال ۱۸۹۹ وقتی که اولین قانون بزهکاری جوانان در آلینوس شیکاگو تصویب شد، متداول گشت (احمدی، ۱۳۸۴). به طور کلی بزهکار به کسی گفته می‌شود که متهم به ارتکاب رفتار ضداجتماعی و یا قانون‌شکنی است، ولی به علت آنکه به سن قانونی (معمولاً هجده سالگی) نرسیده است، مانند یک مجرم بزرگسال مجازات نمی‌شود. ممکن است بزهکاری یک نوجوان مقدمه‌ای برای یک جنایت باشد، اما قلمرو بزه و جرم متفاوت است (معظمی، ۱۳۸۸).

پیش فرض نظری پژوهش حاضر این است که رشد انسان به وسیله تعامل پویای عوامل فردی چندگانه و عوامل موقعیتی (اسماروف^۱، ۲۰۰۰) تعیین می‌شود. نظریه اجبار^۲ پاترسون مدلی را برای تأثیر والدین بر رفتار بزهکارانه کودک ارائه می‌دهد. بر طبق نظریه اجبار اینکه فردی مرتکب رفتار انحرافی شود بستگی به فرایندهای متقابلی دارد که بین او والدینش رخ می‌دهد (پاترسون^۳، ۱۹۹۷). طبق این مدل، وقتی والدین با یک دستور مبهم و با لحن منفی مانع فعالیت کودک شده، او را تهدید نموده، عیب‌جویی کرده و به تنبیه متوسل می‌شوند، کودک آه و ناله سر می‌دهد، هوار می‌کشد و امتناع می‌کند تا اینکه پدر و مادر دربابند که رفتار

1- Sameroff
3- Patterson

2- coercion

کودک خیلی شدید است و در نهایت تسلیم او می‌شوند. این مسأله سبب می‌شود که هر دو در دام تقویت گرفتار شوند. کودک و والدین هر دو تقویت منفی دریافت می‌کنند؛ وقتی این چرخه بارها تکرار می‌شود، در سایر اعضای خانواده اضطراب و تحریک‌پذیری ایجاد شده و طولی نمی‌کشد که آن‌ها نیز به تعامل‌های خصمانه روی می‌آورند (کارپنتر^۱، ۲۰۰۲؛ به نقل از واحدی، ۱۳۹۰).

در نظر گرفتن تک تک سازه‌های والدینی که به لحاظ نظری در رشد رفتار انحرافی تأثیر می‌گذارند، ضروری می‌نماید. اشنایدر^۲ و پاترسون (۱۹۸۷) پنج سازه والدینی را در فرایند اجباری ذکر می‌کنند که بیشترین ارتباط را در پیشگیری از وقوع جرم دارند، این پنج سازه در برگرفته نظم کارآمد، نظارت، تمرین حل مسأله، تربیت مثبت و تقویت مثبت است. تنبیه بدنی کودکان و نوجوانان با درگیری فرد در سوءاستفاده از کودک، مسائل سلامت روان، بزهکاری و جرایم بزرگسالی در آینده می‌شود. استراوس^۳ (۱۹۹۴)، از داده‌های پیمایش ملی خشونت خانوادگی بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۵ انجام شده بود، استفاده کرد و تحلیل جامعی از اثرات تنبیه بدنی ارائه کرد. او به این نتیجه دست یافت که بسیاری از والدینی که خود در کودکی مورد تنبیه قرار گرفته بودند، به احتمال بیشتری از تنبیه بدنی در مقابل فرزندان خود استفاده خواهند کرد. کودکانی که والدینشان از تنبیه بدنی استفاده می‌کردند، بیش از دو برابر حالت عادی و کودکان مورد سوء استفاده فیزیکی به احتمال چهار برابر بیشتر از حالت عادی ممکن است به طور خشونت باری به همسیرهای خود حمله کنند. کودکانی که به هر نحو توسط والدینشان تنبیه بدنی شده بودند، نسبت به افرادی که هرگز تنبیه بدنی دریافت نکرده بودند، به احتمال بیش از دو برابر چیزی را به ارزش بیش از ۵۰ دلار به سرقت برده بودند و به احتمال بیش از سه برابر، فردی را خارج از محیط منزل کتک زده بودند. فراوانی بیشتر تنبیه بدنی احتمال اینکه یک نوجوان در یک عمل بزهکارانه درگیر شود را افزایش می‌دهد. همچنین برای هر دو جنس احتمال خشونت علیه همسر را افزایش می‌دهد.

1- Carpenter
3- Straus

2- Snyder

در پژوهشی، بورک، پاردینی و لوئبر^۱ (۲۰۰۸) نتایج مشابهی را با استفاده مطالعه طولی گذشته‌نگر به‌دست آوردند. تنها متغیر تربیتی که مشکلات برونی‌سازی را پیش‌بینی می‌کرد، فقدان نظم بود، در حالی که تنبیه سخت و ارتباط ضعیف به‌طور معنی‌دار پیش‌بین معنی‌داری نبودند. به‌طور کلی نقش علی اعمال والدینی در دسته‌ای از مطالعات مداخله‌ای در مورد آموزش والدینی حمایت شده است (ایبرگ، نلسون و بوگز^۲، ۲۰۰۸). در مطالعه طولی دیگری، مشخص شد که مسائل سلوکی کودک در کودکان به‌طور پایا پیش‌بینی‌کننده تاکتیک‌های ناکارآمد تربیتی می‌باشد که آن نیز به‌نوبه خود رشد مسائل سلوکی در منزل در طی دوران کودکان و سال‌های اولیه ابتدایی پیش‌بینی می‌کند (اشنایدر، کرامر، افرانک^۳ و پاترسون، ۲۰۰۵). پژوهش‌های تجربی نشان داده‌اند که کودکان دارای مشکلات برونی‌سازی از فقدان تقویت برای رفتارهای مثبت رنج می‌برند (پاترسون، ۱۹۸۲). علاوه بر این مطالعاتی نیز وجود دارند که نشان از ارتباط تربیت والدینی مثبت با کفایت اجتماعی و ارتباط مثبت با همسالان (لایبل^۴، ۲۰۰۴) و همچنین عملکرد تحصیلی (داپکینز استرایت و نیتزل^۵، ۲۰۰۳) می‌باشد.

اشنایدر و همکاران معتقدند که نظریه اجبار به دلیل تمرکز بر اثر مستقیم تربیت ناکارآمد بر رفتار انحرافی و نادیده گرفتن سایر عوامل بالقوه موجود، محدود است. بر این اساس گاتفردسون و هیرشی^۶ (۱۹۹۰) در نظریه عمومی جرم خود، این ایده را مطرح کردند که خود-کنترلی پائین ارتباط بین تربیت والدین و جرم را میانجی‌گری می‌کند. خود-کنترلی پائین، که طبق نظر گاتفردسون و هیرشی (۱۹۹۰) در سنین ۸-۹ سالگی ایجاد می‌شود، محصول تربیت والدینی ضعیف می‌باشد. اجتماعی شدن ضعیف، فقدان سرپرستی، ناتوانی در تشخیص رفتار نامناسب و مناسب و فقدان نظم عمومی، همگی کودک را به سمت خود-کنترلی پائین هدایت می‌کند (کریسون^۷، ۲۰۱۴). خود-کنترلی پائین صفتی است که احتمال مواجهه با جرم و رفتارهای مشابه را افزایش می‌دهد (سیمون و بارت^۸، ۲۰۱۱).

1- Burke, Pardini, Loeber
3- Cramer & A Frank
5- Dopkins Stright & Neitzel
7- Kerrison

2- Eyberg, Nelson & Boggs
4- Laible
6- Gottfredson & Hirschi
8- Simons & Burt

نظریه خود-کنترلی، تمرکز را از بیان چگونگی اکتساب شرایط مجرمانه به سمت بیان این که چرا شرایط اطاعت از قانون کسب نشده است، تغییر داده است. فرض آن بر این است که افراد با انگیزش طبیعی برای ارتکاب جرم متولد می‌شوند، و نقش محیط در جرم این است که این انگیزه‌ها را سرکوب بکند یا نکند. در طول سالیان متمادی جرم‌شناسان شاهد این قضیه بوده‌اند که یکی از ویژگی‌های متمایز کننده‌ی مجرمان عدم توانایی آن‌ها برای در نظر گرفتن عواقب منفی درازمدت رفتار انحرافی خود می‌باشد (ویلسون و هرنتاین^۱، ۱۹۸۵).

با توجه به ظرفیت تمرین کنترل در برابر تکانه‌های مجرمانه، گاتفردسون و هیرشی این ادعا را مطرح ساختند که خود-کنترلی، مهارت صرفاً یادگیری شده‌ای است که در سال‌های اولیه اجتماعی شدن کسب می‌شود (حدوداً سنین ۸ سالگی). خود-کنترلی با فرزندپروری موثر، ارتباط قوی بین کودکان و مراقبان، سرپرستی والدینی مناسب، تنبیه به‌جا و سنجیده اعمال انحرافی و مدل‌سازی رفتار مناسب اجتماعی توسط والدین به‌تدریج ایجاد می‌شود. مخصوصاً اینکه، کودکان نیاز به درونی‌سازی دروسی دارند که در آن‌ها اعمال مجرمانه به عنوان اعمال دارای نتایج دردناک و منفی مطرح شده و در عوض نشان داده شود که دستیابی به اهداف ارزشمند بلندمدت نیازمند به تأخیر انداختن پاداش‌های فوری است. تفاوت در خود-کنترلی وابسته به میزان یادگیری این دروس در خانواده است. بر طبق نظر گاتفردسون و هیرشی، خود-کنترلی پس از تشکیل، در طول زندگی ثابت باقی می‌ماند، هر چند که ممکن است به طرق مختلفی متأثر گردد. در مقایسه با نقش حیاتی و مداوم خانواده، نهادهای اجتماعی دیگری مانند مدارس نیز نقشی هر چند کوچک در مجرمیت یا ارتکاب جرم دارند. بر این اساس، سیر تخلفات افراد را می‌توان به‌طور پایایی در دوران کودکی پیش‌بینی کرد (ورتلی^۲، ۲۰۱۱).

علی‌وردی‌نیا و یونسی (۱۳۹۳) با بررسی تأثیر میزان خود-کنترلی بر ارتکاب به جرم به این نتیجه رسیدند که تمام مؤلفه‌های خود-کنترلی پایین به جز مؤلفه ابراز خشم می‌تواند تغییرات مصرف مواد و الکل دانشجویان را تبیین کند. بشیریان، حیدرنیا، اله‌وردی‌پور و

1- Wilson and Herrnstein

2- Wortley

حاجی‌زاده (۱۳۹۱) نیز رابطه خود-کنترلی با تمایل نوجوانان به مصرف مواد را بررسی و به این نتیجه رسیدند که بین خود-کنترلی با سابقه مصرف سیگار، سابقه مصرف مواد مخدر، قصد مصرف مواد و نگرش نسبت به مواد مخدر رابطه معنی‌داری وجود دارد.

در مورد نحوه عملکرد خود-کنترلی، برخی از پژوهشگران معتقدند که خود-کنترلی نشانگر غلبه شناخت بر رفتار خودکار است، برخی دیگر این مطلب را چنین مطرح کرده‌اند که خود-کنترلی توصیف‌کننده رفتاری است که توسط رفتار شناختی سرد هدایت می‌شود نه رفتار عاطفی و هیجانی گرم یا پاسخ‌های تکانشی (متکالف و میشل^۱، ۱۹۹۹). برطبق نظریه شناخت اجتماعی، رفتار به جای پاسخ به خود محیط، در پاسخ به بازنمایی شناختی از محیط رخ می‌دهد (محرک-ارگانیزم-پاسخ یا مدل S-O-R) فرایندهای شناختی نیز در معرض سوگیری، خطا و تحریف هستند. بنابراین، بازنمایی شناختی محیط ممکن است مشتمل بر ادراکات و تفاسیر ناکارآمد از رویدادهایی باشد که منجر به رفتارهای ناکارآمد می‌شود. اسنادهای علی یکی از فرایندهای شناختی است که ادراکات و تفاسیر ناکارآمد در آن هم به طور مستقیم و هم از طریق ارتباط با خود-کنترلی با جرم مرتبط می‌باشد (ورتلی، ۲۰۱۱).

انسان در برخورد با مسائل روزمره مانند یک دانشمند عمل می‌کند و نقش دانشمند ساده و بی تجربه را ایفا می‌کند که با یک دانشمند خوب و قیاسی فاصله دارند و در تحلیل‌های اسنادی در معرض چندین خطا و سوگیری قرار دارند. به عنوان مثال، خطای بنیادی اسناد اشاره به گرایش افراد به اسناد بیش از حد علل رفتار دیگران به عوامل درونی دارد و نقش عوامل محیطی را کم رنگ‌تر در نظر می‌گیرند (جونز^۲، ۱۹۷۹). به ویژه اینکه ما دوست داریم دیگران را به خاطر نتایج ضعیف سرزنش کنیم، هر چند که به‌طور عینی و آشکار گناهکار نبوده باشند. با این وجود، در مورد خودمان چنین قواعدی را به کار نمی‌بریم. ما به گونه‌ای آماده هستیم که نقش بیشتری را به عوامل محیطی (به‌ویژه در مورد رفتارهای منفی) نسبت دهیم. این تفاوت تحت عنوان سوگیری بازیگر-مشاهده‌گر نامیده می‌شود (جونز و نیسبت^۳، ۱۹۷۱).

1- Metcalfe & Mischel
3- Nisbett

2- Jones

اسنادهای غلط مادر مبنی بر اینکه بد رفتاری کودک از روی عمد است، موجب این تصمیم در مادر می‌شود که از سبک‌های نظم‌دهی فیزیکی استفاده نماید (آتیه و دورانت^۱، ۲۰۰۵). این مادران برای رفتارهای منفی کودکان از اسنادهای گرایشی منفی استفاده می‌کنند، ولی برای رفتارهای مثبت آن‌ها از اسنادهای بیرونی استفاده می‌کنند (دادز، مالینز، مک‌آلیستر و اتکینسون^۲، ۲۰۰۳).

اسنادهای علی غلط معمولاً در رفتار خشونت بار نقش دارند. سوگیری خصمانه اسنادها اشاره به گرایش به تفسیر غلط نشانه‌های محیطی و نسبت دادن انگیزه‌های پرخاشگرانه به دیگران دارد، در حالی که در حقیقت نیت آن‌ها مثبت است (برکویتز^۳، ۱۹۹۰). فرد با داشتن تفسیر خصمانه از نیت دیگران، ممکن است به نحوی رفتار کند که منجر به افزایش خشونت گردد. بسیاری از دعوای رخ داده در مکان‌های عمومی به این دلیل رخ می‌دهد که یکی از طرفین درک اشتباهی از رفتار طرف دیگر داشته است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد پرخاشگر بیشتر از افراد غیرپرخاشگر احتمال دارد که در موقعیت‌های فرضی اسنادهای غلط خصمانه داشته باشند. به عنوان مثال، بیلی و اوسترو^۴ (۲۰۰۸) به این نتیجه دست یافتند که سطوح پرخاشگری خودگزارشی با گرایش به تفسیرهای دوپهلوی (به‌عنوان مثال فردی نوشیدنی را روی شما می‌ریزد) به‌عنوان عمل خصمانه همبسته است. جیمز و سیگر^۵ (۲۰۰۶) به‌طور مشابهی به این یافته دست یافتند که محکومیت به دلیل خشونت با گرایش به اسنادهای خصمانه در ارتباط است.

با توجه به ارتباطات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای ذکر شده با جرم و یکدیگر مدل مفهومی مورد آزمون در پژوهش حاضر در شکل (۱) ارائه شده است. در این مدل سعی شده است تا مواردی مطرح گردند که بیشترین ارتباط را با بزهکاری داشته باشند. بر اساس مدل مفهومی متوجه می‌شویم که بزهکاری به‌طور مستقیم تحت تأثیر اجبار والدینی، اسناد خطا، و همچنین خود-کنترلی می‌باشد؛ همچنین خود-کنترلی بین اجبار والدینی و اسناد خطا با

1- Ateah & Durrant

3- Berkowitz

5- James & Seager

2- Dadds, Mullins, McAllister & Atkinson

4- Bailey & Ostrov

بزهکاری میانجی‌گری می‌کند. بنابراین در این پژوهش مسأله اصلی بررسی این نکته می‌باشد که آیا مدل مفهومی فوق در تبیین بزهکاری برآزش دارد؟

روش

در این پژوهش روابط متغیرها به صورت مدل علی مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین متغیر ملاک (بزهکاری) با استفاده از متغیرهای پیش‌بین (اجبار والدینی، اسناد خطا و خود-کنترلی)، تبیین شده است، لذا این مطالعه در زمره طرح‌های توصیفی-همبستگی گذشته‌نگر می‌باشد.

جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه مددجویانی تشکیل می‌دهد که در فاصله زمانی بهمن ماه ۹۴ تا خرداد ماه ۹۵ در مرکز اصلاح و تربیت تهران حضور داشته‌اند که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۲۵۸ آزمودنی به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. پس از انتخاب آزمودنی‌ها، ضمن تشکر از مشارکت مددجویان در پژوهش و اطمینان از سری ماندن اطلاعات و اختیاری بودن مشارکت در پژوهش پرسشنامه‌های مذکور تکمیل شد. اجرا به صورت انفرادی و یا گروه‌های حداکثر ۴-۵ نفره بود. سوالات توسط تیم پژوهشی قرائت شده و پس از اطمینان از تفهیم سوالات توسط آزمودنی‌ها اقدام به علامت‌گزینیه مورد نظر می‌شد.

ابزارهای اندازه‌گیری

پرسشنامه فرزندپروری آلاباما نسخه فرزند (APQ): این پرسشنامه دارای ۴۵ آیتم می‌باشد که برای اندازه‌گیری پنج حوزه‌ی تربیت فرزند توسط شلتون، فریک و ووتون^۱ (۱۹۹۶) تهیه شده است. حوزه‌های قابل بررسی در این آزمون شامل نظم و انضباط ناپایدار (شامل عدم اطلاع والدین و اقتدار می‌باشد)، نظارت ضعیف والدین، مشارکت ضعیف پدر، فقدان تربیت مثبت و تنبیه بدنی است (لازم به ذکر است در پژوهش حاضر نمره‌گذاری خرده‌مقیاس‌های تربیت مثبت، مشارکت پدر و نظم و انضباط پایدار به‌منظور هماهنگی با اجبار والدینی و سایر خرده‌مقیاس‌ها، به‌صورت معکوس انجام گرفت). آیتم‌ها در مقیاس پنج درجه‌ای لی‌کرت از

1- Shelton, Frick & Wootton

هرگز تا همیشه تنظیم شده است. همسانی درونی برای مقیاس‌ها از متوسط تا بالا بین دامنه ۰/۴۶ تا ۰/۸۰ می‌باشد (مک ماهون، مانسون و اسپیکر^۱، ۱۹۹۷). پایایی این آزمون از طریق آزمون-پس‌آزمون در فاصله زمانی سه ساله ۰/۶۵ گزارش شده است (شلتون و همکاران، ۱۹۹۶). همچنین سامانی (۱۳۹۰) نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ پایایی این ابزار را بین ۰/۵۲ تا ۰/۸۸ و با استفاده از روش بازآزمایی این ضریب را بین ۰/۷۵ تا ۰/۸۶ ارزیابی کرده است.

پرسشنامه خود-کنترلی تانجی (SCS): این پرسشنامه به وسیله تانجی، بامیستر و بوم^۲ (۲۰۰۴) تدوین شده است که دارای دو خرده‌مقیاس خود-کنترلی منع‌کننده و خودکنترلی اولیه می‌باشد. این پرسشنامه ۳۶ آئمی با هدف سنجش میزان کنترل فرد بر خودشان ساخته شده است. طیف پاسخگویی آن از نوع لیکرت می‌باشد. دریدر، دیوئر، لاگتینگ، بیکر و ون‌هووف^۳ (۲۰۱۱) همسانی درونی این پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس خودکنترلی منع‌کننده ۰/۸۶ و برای خرده‌مقیاس خودکنترلی اولیه ۰/۶۸ می‌باشد. همبستگی بین دو خرده‌مقیاس خود کنترلی نیز در پژوهش ریدر و همکاران بالا (۲=۰/۶۸) گزارش شده است. در این پژوهش خود-کنترلی کلی مورد بررسی قرار گرفت.

پرسشنامه اسناد خطا گودجانسون (GBAI): این پرسشنامه دارای ۴۲ آئتم می‌باشد که به صورت صحیح غلط نمره گذاری می‌شود. این پرسشنامه نشان می‌دهد که چگونه افراد اشتباهات خود را اسناد می‌کنند و چه مقدار احساس پشیمانی می‌کنند. پرسشنامه اسناد خطا شامل سه خرده‌مقیاس مستقل برای عمل اشتباه فرد است: اسنادهای بیرونی، اسنادهای درونی (وضعیت روانشناختی) و اسنادهای احساس گناه (گودجانسون و سینگ، ۱۹۸۹). نمره گذاری پرسشنامه به صورت صحیح (۱) و غلط (۰) می‌باشد. ضریب پایایی برای اسنادهای بیرونی ۰/۷۳، اسنادهای درونی، ۰/۷۲ و اسنادهای احساس گناه ۰/۷۱ به دست آمده است (پیرسون، گودجانسون و سیگاردسون^۴، ۲۰۰۰). در نسخه هنجار ایرانی این پرسشنامه که توسط بیرامی، هاشمی، پورشریفی و عندلیب (زیر چاپ) با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی انجام شده است، تعداد آئتم‌ها به ۳۹ مورد کاهش یافت. نتایج تحلیل عاملی بر روی ابعاد نشان داد که ضریب برای عامل‌های اسناد احساس گناه ۰/۶۱ برای اسناد درونی ۰/۷۴

1- McMahan, Munson & Spieker

2- Tangney, Baumeister & Boone

3- De Ridder, De Boer, Lugtig, Bakker & van Hooft

4- Peersen, Sigurdsson

و برای اسناد بیرونی ۰/۳۰ می‌باشد. همچنین ضریب پایایی نسخه ۳۹ آئتمی این پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد و نتایج نشان داد که ضرایب همسانی درونی برای عامل‌های احساس گناه، اسناد بیرونی و اسناد درونی و کل مقیاس به ترتیب برابر ۰/۸۱، ۰/۸۴ و ۰/۷۷ می‌باشد (بیرامی و همکاران، زیر چاپ).

مقیاس جرم و خشونت (CVS): مقیاس جرم و خشونت دارای ۳۱ آئتم خود گزارشی است که فراوانی استفاده از راهبردهای خشن در تعارضات و خشونت بین فردی را در طی یک سال می‌سنجد مقیاس دارای مشتمل بر چهار خرده مقیاس است که به لحاظ مفهومی متفاوتند: خرده‌مقیاس راهبرد تعارض عمومی (۱۲ آئتم)، خرده‌مقیاس جرایم مالی (۷ آئتم)، خرده‌مقیاس جرم بین فردی (۷ آئتم) و خرده‌مقیاس جرایم مواد و اعتیاد (۵ آئتم) (کنراد، رابلی، کنراد، چان و دنیس، ۲۰۱۰). آئتم‌های مربوط به مقیاس راهبرد تعارض عمومی برای تمامی آئتم‌ها با این گزاره آغاز می‌شود: «آیا در طی ۱۲ ماه گذشته، کارهای زیر را انجام داده‌اید؟» پاسخ‌ها به صورت بله/خیر می‌باشد (خیر=۰ و بله=۱ نمره‌گذاری می‌شود). آئتم‌های مربوط به سایر مقیاس‌ها با این گزاره مشترک آغاز می‌شوند: «در طول یک سال گذشته چند بار انجام داده‌اید». با وجود اینکه پاسخ تعداد دفعات را منعکس می‌کند، نمره به صورت دو وجهی می‌باشد، یعنی نمره ۰ برای اصلاً و نمره ۱ برای یکبار و بیشتر اختصاص داده می‌شود. مقیاس دارای ضریب پایایی مناسب ۰/۷۶ برای مردان و ۰/۷۲ برای زنان می‌باشد (کنراد و همکاران، ۲۰۱۰).

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای آزمون مدل مفهومی ارائه شده در این پژوهش و تحلیل روابط بین متغیرها در مدل ساختاری و اندازه‌گیری از روش همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری از نسخه ۲۳ نرم‌افزار AMOS استفاده شده است.

یافته‌ها

نتایج توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهشی در جدول (۱) به نمایش در آمده است.

جدول (۱) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مورد بررسی

متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار	تعداد
بزهکاری	۲	۲۶	۱۶/۱۳	۶/۹۸	۲۵۸
خود-کنترلی	۷۴	۱۲۳	۹۹/۰۴	۱۱/۵۰	۲۵۸
اسناد خطا	۱۱	۳۹	۲۵/۹۵	۵/۹۰	۲۵۸
اجبار والدینی کل	۱۰/۵۹	۲۰/۰۸	۱۵/۱۹	۱/۹۶	۲۵۸

در ادامه ابتدا ماتریس همبستگی مربوط به متغیرهای پژوهشی به نمایش در آمده است (جدول ۲) و در ادامه برازش مدل مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول (۲) ماتریس همبستگی مربوط به متغیرهای پژوهش

	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)
(۱) بزهکاری	۱			
(۲) خود-کنترلی	-.۵۳**	۱		
(۳) اسناد خطا	-.۳۴**	.۳۴**	۱	
(۴) اجبار والدینی کل	.۵۳**	-.۳۷**	-.۲۸**	۱

** P<0/01 * p<0/05

ماتریس همبستگی نشان از ارتباط منفی بزهکاری با خود-کنترلی و اسناد خطا و ارتباط مثبت آن با اجبار والدینی است. ارتباط بین اجبار والدینی نیز با خود-کنترلی و اسناد خطا نیز منفی است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که ارتباط بین اسناد خطا و خود-کنترلی مثبت است.

برازش مدل با استفاده از شاخص‌های برازندگی از قبیل شاخص کای اسکور نسبی^۱ (χ^2/df)، شاخص نیکویی برازش^۲ (GFI)، شاخص نیکویی برازش انطباقی^۳ (AGFI)، جذر میانگین مربعات خطای برآورد^۴ (RMSEA)، شاخص برازش هنجار شده مقتصد^۵ (PNFI)، شاخص برازش افزایش^۶ (IFI)، شاخص برازندگی توکر-لویس^۷ (TLI) و شاخص برازش تطبیقی^۸ (CFI) بررسی گردید. نتایج شاخص‌های برازش مدل پیشنهادی در جدول (۳) آمده

1- CMIN/DF

3- Adjusted Goodness of fit index

5- parsimony normed fit index

7- Tucker-Lewis index

2- Goodness of fit Index

4- Root mean square error of approximation

6- incremental fit index

8- comparative fit index

است. بررسی برازش اولیه نشان می‌دهد که تمامی شاخص‌ها به استثناء دو شاخص TLI و RMSEA برازش مدل را نشان می‌دهند. در نتیجه به دلیل عدم برازش این دو شاخص، نیاز به اصلاح مدل وجود دارد. به منظور همبسته کردن مسیر خطاها، مدل پیشنهادی با اضافه کردن دو مسیر کوواریانس خطا (مسیرهای خطای نظم و انضباط ناپایدار با نظارت ضعیف و خطای تنبیه بدنی با خطای نظم و انضباط ناکارآمد) که توسط AMOS پیشنهاد شده است، اصلاح گردید و دوباره برازش مدل ارزیابی گردید که در ارزیابی مجدد تمامی شاخص‌ها برازش مدل را نشان دادند.

جدول (۳) بررسی برازش مدل پیشنهادی پیش و پس از انجام اصلاحات

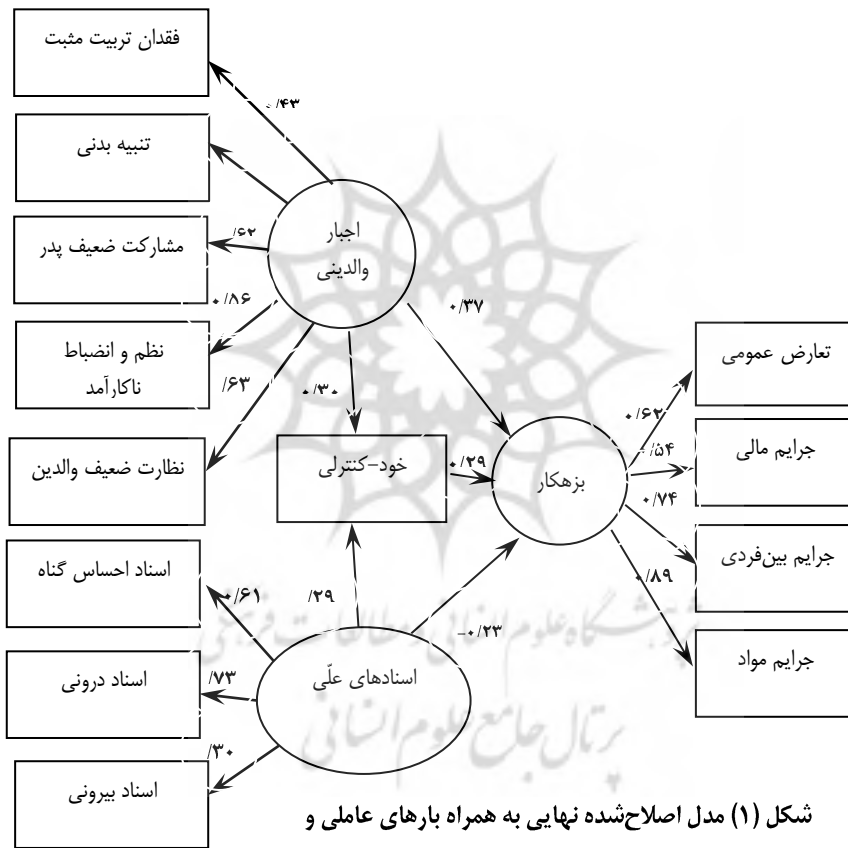
شاخص‌ها	CMIN/DF	GFI	AGFI	IFI	TLI	CFI	PNFI	RMSEA
بازه‌ی قابل قبول	۱ تا ۵	> ۰/۹۰	> ۰/۸۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۵۰	< ۰/۰۸
مدل پیشنهادی اولیه	۲/۹۷۸	۰/۹۰۱	۰/۸۵۰	۰/۹۱۱	۰/۸۸۳	۰/۹۱۰	۰/۶۷۱	۰/۰۸۸
وضعیت برازش	برازش	برازش	برازش	برازش	عدم برازش	عدم برازش	برازش	عدم برازش
مدل اصلاح شده نهایی	۲/۵۹۴	۰/۹۱۷	۰/۸۷۰	۰/۹۳۱	۰/۹۰۶	۰/۹۳۰	۰/۶۶۴	۰/۰۷۹
وضعیت برازش	برازش	برازش	برازش	برازش	برازش	برازش	برازش	برازش

به منظور بررسی روابط علی-ساختاری بزهکاری با اجبار والدینی و اسناد خطا و میانجی‌گری خود-کنترلی از تحلیل مسیر استفاده شد که نتایج مسیرهای مستقیم در جدول (۴) به نمایش در آمده است.

جدول (۴) بررسی وزن‌های رگرسیونی استاندارد و غیراستاندارد مسیرهای مستقیم

مسیر	از ← به	برآورد غیراستاندارد	برآورد استاندارد	انحراف میانگین	نسبت بحرانی	سطح معنی داری
اجبار والدینی	خود-کنترلی	-۹/۰۹۰	-۰/۲۹۶	۳/۳۵۰	-۲/۷۱۴	۰/۰۰۷
اسناد خطا	خود-کنترلی	۳/۸۱۰	۰/۲۹۱	۱/۶۶۴	۲/۲۹۰	۰/۰۲۲
خود-کنترلی	بزهکاری	-۰/۰۳۸	-۰/۲۸۶	۰/۰۰۹	-۴/۴۱۶	۰/۰۰۱
اسناد خطا	بزهکاری	-۰/۳۹۸	-۰/۲۲۹	۰/۱۹۲	-۲/۰۷۵	۰/۰۳۸
اجبار والدینی	بزهکاری	۱/۴۹۲	۰/۳۶۶	۰/۴۲۱	۳/۵۴۶	۰/۰۰۱

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که مسیر مستقیم ارتباط اجبار والدینی با بزهکاری ($\beta=0/366$)، اجبار والدینی با خود-کنترلی ($\beta=-0/296$)، خود-کنترلی با بزهکاری نوجوانی ($\beta=-0/286$)، در سطح معنی‌داری ($<<0/01$) و مسیرهای مستقیم اسناد خطا با بزهکاری نوجوانان ($\beta=-0/229$)، اسناد خطا با خود-کنترلی ($\beta=0/291$)، در سطح ($<<0/05$) معنی‌دار است.



شکل (۱) مدل اصلاح‌شده نهایی به همراه بارهای عاملی و ضرایب استاندارد مسیرها

به‌منظور بررسی معنی‌داری روابط واسطه‌ای از آزمون بوت استراپ در نرم‌افزار AMOS استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۵) آورده شده است. چپونگ و لائو^۱ (۲۰۰۸) تعداد نمونه‌گیری مجدد در بوت استراپ^۲ را ۵۰۰ و ۱۰۰۰ مورد پیشنهاد کرده است که در این پژوهش برای تعداد نمونه‌گیری مجدد ۱۰۰۰ مورد انتخاب شده است.

جدول (۵) نتایج آزمون بوت استراپ برای بررسی مسیرهای غیرمستقیم

متغیر پیش‌بین	متغیر میانجی	متغیر ملاک	برآورد غیراستاندارد	برآورد استاندارد	تعداد نمونه‌گیری مجدد	حد پایین	حد بالا	فاصله سطح اطمینان معنی‌داری
اجبار والدینی	خود-کنترلی	بزهکاری	۰/۳۴۵	۰/۸۵۰	۱۰۰۰	۰/۰۱۴	۰/۱۶۲	۰/۰۲۴
اسناد خطا	خود-کنترلی	بزهکاری	-۰/۱۴۵	-۰/۰۸۳	۱۰۰۰	-۰/۱۸۴	-۰/۰۱۰	۰/۰۲۶

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که در مورد اثر غیرمستقیم هر دو متغیر برونزاد اجبار والدینی و اسناد خطا از طریق خود-کنترلی بر بزهکاری معنی‌دار می‌باشد. بدینگونه که اثر اجبار والدینی با میانجی‌گری خود-کنترلی دارای حد پایین ۰/۰۱۴ و حد بالای ۰/۱۶۲ می‌باشد که با توجه به قاعده، صفر خارج از محدوده حدپایین و حد بالا می‌باشد، همچنین این میزان در سطح (۰/۰۵) معنی‌دار است. در مورد اثر اسناد خطا از طریق خود-کنترلی، نتایج نشان می‌دهد که حد پایین و بالا در آزمون بوت استراپ به‌ترتیب برابر -۰/۱۸۴ و -۰/۰۱۰ می‌باشد که صفر خارج از این دامنه قرار داشته و همچنین میزان برآورد در سطح (۰/۰۵) معنی‌دار می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

اولین یافته پژوهش حاضر نشان داد که مدل مفهومی ارائه شده برای تبیین بزهکاری مددجویان کانون‌های اصلاح و تربیت با داده‌ها برازش دارد. هدف از بررسی برازش مدل مشخص کردن میزان منطبق بودن مدل تدوین شده بر مبنای چارچوب نظری و پیشینه

1- Cheung & Lau

2- bootstrap

تجربی با واقعیت می‌باشد. در ارتباط با مدل ارایه شده بر مبنای چارچوب نظری و پیشینه تجربی لازم به توضیح است که شالوده‌ی اصلی این مدل را نظریه خود-کنترلی گاتفردسون و هیرشی (۱۹۹۰)، نظریه اجبار پاترسون (۱۹۸۲)، نظریه اسناد خطای گودجانسون (۱۹۸۴) و پژوهش‌های انجام شده در مورد روابط بین این متغیرها تشکیل می‌دهد. گاتفردسون و هیرشی (۱۹۹۰)، نظریه کنترل اجتماعی هیرشی (۱۹۶۹) را گسترش دادند و آن را تحت عنوان نظریه خود-کنترلی مطرح کردند. آن‌ها معتقدند که نحوه تربیت والدین از طریق تأثیرگذاری بر خود-کنترلی افراد می‌تواند مانع از بروز اعمال بزهکارانه گردد. همچنین خود-کنترلی را نوان یک متغیری مطرح کردند که می‌تواند بین عوامل شناختی (در این پژوهش اسناد خطا به عنوان یک عامل شناختی مطرح شده است) و نتایج رفتاری میانجی‌گری کند.

بنابراین مدل ارایه شده برای تبیین بزهکاری متکی بر چارچوب نظری و پیشینه تجربی می‌باشد، با این وجود باید بررسی شود که مدل ارایه شده بر اساس چارچوب نظری و پیشینه تجربی تا چه اندازه با واقعیت انطباق دارد. از این‌رو این سوال اصلی این است که داده‌های گردآوری شده تا چه حد حمایت‌کننده مدلی است که به لحاظ نظری تدوین شده است؟ بررسی نتایج اولیه حاکی از آن بود که مدل ارایه شده از برازش کافی برخوردار نیست. در چنین مواردی که برازش مدل به اندازه کافی خوب نباشد می‌توان گفت مدل تدوین شده به وسیله داده‌های نمونه‌ای حمایت نگردیده و در چنین شرایطی باید مدل را مجدداً تدوین کرد تا به برازش بهتری دست یافت. در پژوهش حاضر نیز بعد از عدم برازش اولیه تدوین مجدد مدل و اصلاح مدل با در نظر گرفتن اصول اصلاح از قبیل وجود توجیه نظری یا منطقی برای اعمال اصلاحات، دو اصلاح همبسته کردن مسیر خطاها از بین گزینه‌های پیشنهادی نرم‌افزار AMOS انتخاب و همبسته شدند، بررسی دوباره حاکی از برازش خوب مدل نهایی با داده‌ها بود، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل ارایه شده در این پژوهش بر اساس معیارهای علمی قابل قبول است.

بر اساس این یافته می‌توان گفت که مدل ارایه شده در پژوهش حاضر بر اساس مدل مفهومی اخذ شده از نظریه خود-کنترلی گاتفردسون و هیرشی (۱۹۹۰)، نظریه اجبار پاترسون (۱۹۸۲)، نظریه اسناد خطای گودجانسون (۱۹۸۴) و پژوهش‌های انجام شده برای

تبیین بزهکاری نوجوانان کانون اصلاح و تربیت مورد تأیید است. بنابراین با استفاده از مدل فوق می‌توان گفت که بزهکاری نوجوانان به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم تحت تأثیر عواملی مانند، اجبار والدینی، اسناد خطا، و خود-کنترلی می‌باشد که در ادامه نقش واسطه‌ای خود-کنترلی بین دو متغیر برون‌داد اسناد خطا و اجبار والدینی با بزهکاری مورد بررسی قرار گرفته است.

در مورد نقش واسطه‌ای خود-کنترلی بین اجبار والدینی و بزهکاری، نتایج نشان داد که اثر اجبار والدینی از طریق خود-کنترلی بر بزهکاری به صورت جزئی معنی‌دار می‌باشد. این یافته با نتایج پژوهش‌های، هی^۱ (۲۰۰۱) که نشان داد خود-کنترلی ارتباط بین تربیت والدینی ناکارآمد و تخلف نوجوانان را میانجی‌گری می‌کند؛ نتایج پژوهش بارت، سیمونز و سیمونز^۲ (۲۰۰۶)، جونز، کافمن^۳ و پیکوئرو^۴ (۲۰۰۷)، که نشان دادند خود-کنترلی به‌طور جزئی ارتباطات بین تخلف با تربیت ناکارآمد، حمایت والدینی، مدیریتی والدینی و نظارت والدینی را میانجی‌گری می‌کند و نتایج پژوهش واحدی (۱۳۹۰) که نشان داد خودتنظیمی (سازه‌ی نزدیک به خود-کنترلی) رابطه بین ابعاد والدینی غیرحمایتی و پرخاشگری را میانجی‌گری می‌کند، همسو می‌باشد. با این حال این یافته با بخشی نتایج از پژوهش هوپ و چاپل^۵ (۲۰۰۵) که نشان از عدم میانجی‌گری خود-کنترلی در رابطه بین نظارت والدینی و رفتار جنسی پرخطر دارد، نتایج پژوهش کراسوایت-گمبل^۶ (۲۰۰۵) که نشانگر عدم میانجی-گری خود-کنترلی بین تربیت والدینی کارآمد و تخلف می‌باشد و همچنین نتایج پژوهش کریچنر^۷ (۲۰۱۱) که نشان داد خود-کنترلی بین تربیت والدینی و تخلف در نژاد میانجی‌گری نمی‌کند، ناهمسو می‌باشد.

در این زمینه برودی، دورسی، فورهند و آرمستید^۸ (۲۰۰۲) شواهدی را فراهم آورده‌اند که در تبیین این یافته موثر است، آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که تربیت والدینی بر رشد خود-کنترلی تأثیر دارد و خود-کنترلی به‌طور کامل ارتباط بین تربیت والدینی و تخلف را

1- Hay

3- Jones, Cauffman

5- Hope and Chapple

7- Kirchner

2- Simons * Simons

4- Piquero

6- Crosswhite-Gamble

8- Brody, Dorsey, Forehand & Armistead

میانجی‌گری می‌کند. به‌عنوان مثال، پیوستگی خانوادگی، ارتباطات نزدیک بین اعضای خانواده، نظم مناسب، مشارکت، حمایت و نظارت والدین به‌طور مثبت بر خود-کنترلی اثر می‌گذارند، در حالی که تعارضات بین والدین و تعارض خشک والد-فرزند به‌طور منفی بر خود-کنترلی اثر می‌گذارد. علاوه بر این، هر یک از سازه‌های مطرح شده توسط برودی و همکاران (۲۰۰۲) را می‌توان با ایده‌های نظری چگونگی آموزش خود-کنترلی گاتفردسون و هیرشی (۱۹۹۰) مرتبط دانست. اولین مورد مربوط به تربیت والدینی حمایتگر، همبستگی خانوادگی و حمایت خانوادگی می‌باشد که می‌توان تحت عنوان والدینی شناسایی کرد که درگیر خانواده بوده و با فرزندان‌شان دلبسته می‌شوند. مورد دوم شامل نظارت و سرپرستی می‌شود که برای گام دوم آموزش خود-کنترلی حمایت فراهم می‌کند. مورد سوم بحث نظم مناسب و روابط تعارض آمیز والد-فرزندی می‌باشد که گام نهایی در آموزش خود-کنترلی یعنی تنبیه را شامل می‌شود. که این تأییدی است بر نظر گاتفردسون و هیرشی (۱۹۹۰) مبنی بر نقش والدین در ایجاد خود-کنترلی و نقش میانجی خود-کنترلی بین تربیت والدینی و رفتار متخلفانه می‌باشد.

گاتفردسون و هیرشی (۱۹۹۰) خود-کنترلی را به‌عنوان یک مشخصه تفاوت بین فردی معرفی کرده‌اند. با بررسی خود-کنترلی تبیین چگونگی نقش این مشخصه تفاوت بین فردی در ارتباط بین تربیت والدین و تخلف امکان‌پذیر است. آن‌ها معتقدند اگر هر یک از چهار عنصر تربیت والدینی تأثیرگذار در خود-کنترلی یعنی، دلبستگی والد-کودک، نظارت والدینی، تشخیص رفتار انحرافی و تنبیه عمل متخلفانه وجود داشته باشد، منجر به رشد سطوح کافی خود-کنترلی و کاهش احتمال شرکت کودک در رفتار متخلفانه می‌شود. با این حال اگر یکی از چهار عنصر ذکر شده وجود نداشته باشد، احتمال ایجاد یک خود-کنترلی قوی وجود نداشته و احتمال مواجهه کودک در رفتار متخلفانه افزایش پیدا می‌کند. منبع اولیه خود-کنترلی پایین از بد هدایتی والدین به ویژه در سنین اولیه که برای رشد خود-کنترلی ضروری است نشأت می‌گیرد (همان منبع). به‌عبارت دیگر شکست در ایجاد خود-کنترلی در سنین اولیه به این معنی است که این فرد در به تأخیر انداختن لذت در زندگی خود مشکل خواهد داشت (رایت، کاسپی، موفیت و سیلوا^۱، ۱۹۹۹) جرم نیز به‌عنوان یک عمل که تقویت

1- Wright, Caspi, Moffitt and Silva

فوری به عمل می‌آورد به عنوان یک عمل لذت بخش محاسبه می‌شود که نتیجه با واسطه تربیت والدینی می‌باشد. همچنین این نوع از تربیت والدینی به کودک اجازه می‌دهد تا به خاطر رفتار غلط و انحرافی خود تنبیه نشده و منجر به ویژگی‌های خود-کنترلی پایین که تا بزرگسالی تداوم دارد، گردد. بنابراین عدم برخورد والدین به رفتار غلط کودک با خود-کنترلی همراه شده و منجر به بزه می‌شود.

در مورد نقش واسطه‌ای خود-کنترلی بین اسناد خطا و بزهکاری نتایج نشان داد که اثر اسناد خطا از طریق خود-کنترلی بر بزهکاری به صورت جزئی معنی‌دار می‌باشد. این یافته به طور ضمنی با یافته پیکوئرو، جنینگز و فارینگتون^۱ (۲۰۱۰) همسو می‌باشد.

خود-کنترلی بالا موجب می‌شود تا فرد در برابر وسوسه‌های فوری (یعنی انتخاب مزایای کوتاه‌مدت و هزینه‌های بلندمدت) مقاومت کرده و در پی دستاوردهای طولانی‌مدت (یعنی هزینه‌های کوتاه‌مدت و دستاوردهای بلندمدت) باشد. کب-کلارک^۲ (۲۰۱۴) معتقد است که خود-کنترلی تحت تأثیر اسناد فرد قرار دارد، بدینگونه که اگر فرد علت را به عوامل درونی نسبت دهد خود-کنترلی افزایش و اگر به عوامل بیرونی نسبت دهد، خود-کنترلی کاهش پیدا خواهد کرد. آن‌ها معتقدند اگر چنین رابطه‌ای بین اسناد و خود-کنترلی وجود داشته باشد (که در پژوهش حاضر نیز نشان داده شده است)، می‌توان مدعی شد که خود-کنترلی یک واسطه بین اسناد و رخداد‌های زندگی از جمله بزهکاری می‌باشد.

گودجانسون (۱۹۸۴) بیان می‌کند که اسناد درونی با حیطه‌ای مرتبط است که در آن علت رفتار به عوامل قابل کنترل یا غیر قابل کنترل نسبت داده می‌شود. بر این اساس اسنادها ممکن است موجب افزایش احساس کنترل فرد در محیط بوده و میزان اضطراب و احساس گناه فرد را کاهش دهند. از سوی دیگر یکی از عناصر اصلی اسناد درونی داشتن حس کنترل بر اعمال است که در صورت داشتن حس کنترل بالا، که هم جهت با مفهوم خود-کنترلی بالا می‌باشد، میزان بزهکاری کاهش پیدا خواهد کرد. همچنین ورثمن^۳ (۱۹۷۶) معتقد است اسناد ممکن است احساس کنترل فرد را بر روی محیط خود افزایش

1- Jennings & Farrington
3- Wortman

2- Cobb-Clark

دهد، به نظر می‌رسد در این پژوهش نیز اسناد از طریق تأثیر گذاشتن بر ادراک فرد از کنترل، بر بزهکاری تأثیر گذاشته است. خود-کنترلی پایین موجب افزایش احتمال ارتکاب جرم می‌شود ولی فقط یکی از عوامل متعددی است که بر بزهکاری تأثیر می‌گذارد. بر طبق نظر پیکوئرو و همکاران (۲۰۱۰) فقدان خود-کنترلی به این معنی نیست که جرم به دنبال آن رخ خواهد داد، در واقع عوامل موقعیتی، بر برداشت فرد از علت موقعیت رخ داده و عوامل فردی فقدان خود-کنترلی تأثیر گذاشته و از این طریق موجب ارتکاب بزه می‌شود.

طبق نظر کب-کلارک (۲۰۱۴) خودتنظیمی یک اصطلاح نزدیک به خود-کنترلی است که آن را در بر می‌گیرد. بر طبق نظریه شناخت اجتماعی، خود-تنظیمی وابسته به موقعیت است. بنابراین خودتنظیمی یک ویژگی عمومی نیست که در تمامی موقعیت‌ها یکسان باشد بلکه وابسته به موقعیت بوده و در موقعیت‌های مختلف شاهد سطوح مختلف آن هستیم. در طول زندگی روزمره، سوگیری‌های اسنادی مانع جستجوی صحیح علت‌ها می‌شوند و ممکن است که در تفسیر رفتارهای دیگران و خود مرتکب خطا شویم (بدار، دژیل و لامارش^۱، ۲۰۰۶، ترجمه گنجی، ۱۳۹۱). بنابراین اسناد یک رفتار به عوامل خصومتی می‌تواند بر خود-تنظیمی (خود-کنترلی) اثر گذاشته و از این طریق با استفاده خود-تنظیمی پائین، فرد مرتکب تخلف گردد.

پژوهش حاضر چارچوب نظری را برای تبیین بزهکاری معرفی کرده است و در آن نقش برخی از پیشایندهای تأثیر گذار بر بزهکاری را بررسی و در درک بهتر علل پدیده بزهکاری شواهد تجربی فراهم آورده است. یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر می‌تواند مورد استفاده روانشناسان جنایی، جرم‌شناسان و سایر متخصصان مرتبط قرار گرفته و در جهت پیشگیری از جرم نقش داشته باشد.

هر پژوهشی دارای محدودیت‌هایی است و پژوهش حاضر نیز از این امر مستثنی نبوده و دارای محدودیت‌هایی است که در زیر به آنها اشاره می‌شود. عدم کنترل اثرات ژنتیکی والدین که ممکن است بر جو خانوادگی و نحوه تربیت فرزندان تأثیر بگذارد، از دیگر محدودیت‌های

1- Bédard, Déziel, Lamarche

پژوهش حاضر می‌باشد. همچنین با اینکه سعی شده است دقت کافی در استفاده از ابزار پرسشنامه به عمل آید ولی استفاده از پرسشنامه از پرسشنامه‌های محدودیت‌های اصلی تمامی پژوهش‌هایی است که از ابزار خود گزارشی استفاده می‌کنند. نحوه نمونه‌گیری غیرتصادفی و محیط جمع‌آوری اطلاعات (کانون اصلاح و تربیت) از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌باشد چرا که پاسخ‌های آزمودنی‌ها در این جو به دلیل شرایط هیجانی حاکم، استرس و اضطراب زیاد، ممکن است تحت تأثیر قرار گیرد.

پیشنهاد می‌شود پژوهش حاضر به صورت یک طرح طولی نیز انجام گیرد، بدینگونه که اجبار والدینی، اسناد خطا و خود-کنترلی پیش از وقوع بزه ارزیابی شده و سپس این افراد رصد شوند. همچنین پیشنهاد می‌شود چنین پژوهش‌هایی با در نظر گرفتن ویژگی‌های ژنتیکی والدین و نوجوانان انجام گیرد. در نهایت پیشنهاد می‌شود مدل مفهومی مطرح شده، در پژوهش‌های دیگری با افزودن متغیرهای مرتبط دیگری نیز آزمون گردد.

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله: ۱۳۹۶/۰۹/۱۰
تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله: ۱۳۹۷/۰۷/۰۳
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۷/۱۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- احمدی، حبیب (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی انحرافات، تهران، سمت.
- بدار، کوک، دزیل، ژوزه و لامارش، لوک (۲۰۰۶). روانشناسی اجتماعی (ویرایش دوم). ترجمه حمزه گنجی (۱۳۹۱). چاپ نهم، تهران: انتشارات ساوالان.
- بشیریان، سعید؛ حیدرنا، علیرضا؛ الهوردی پور، حمید و حاجی‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۱). بررسی رابطه خود-کنترلی با تمایل نوجوانان به مصرف مواد مخدر، ادب پژوهی، ۶ (۲۰): ۴۵-۵۳.
- بیرامی، منصور؛ هاشمی، تورج؛ پورشریفی، حمید و عندلیب کورایم، مرتضی (زیر چاپ). هنجاریابی پرسشنامه اسناد خطای گودجانسون تجدیدنظر شده در بین جمعیت خلافکاری تهران، فصلنامه انداز: گزیننده‌های تربیتی.
- سامانی، سیامک (۱۳۹۰). ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی فرم کودکان پرسشنامه والدگری آلاباما، روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۲ (۵): ۲۹-۱۷.
- علیوردی نیا، اکبر و عرفان یونسی (۱۳۹۳). تأثیر میزان خودکنترلی بر ارتکاب جرم در میان دانشجویان، مجله راهبرد فرهنگ، ۲۶: ۹۳-۱۱۸.
- معظمی، شهلا (۱۳۸۸). بزهکاری کودکان و نوجوانان، تهران، دادگستر، چاپ اول، ص ۱۷.
- واحدی، شهرام (۱۳۹۰). خودتنظیمی به‌عنوان میانجی بین ابعاد والدینی غیر حمایتی و پرخاشگری نوجوانان: روش مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM)، مجله اصول بهداشت روانی، ۱۳ (۱): ۶-۱۹.
- Ateah, C.A. & Durrant, J.E. (2005). Maternal use of physical punishment in response to child misbehavior: Implications for child abuse prevention, *Child Abuse and Neglect*, 29, 169-185.
- Bailey, C.A. & Ostrov, J.M. (2008). Differentiating forms and functions of aggression in emerging adults: associations with hostile attribution biases and normative beliefs, *Journal of Youth and Adolescence*, 37: 713-22.
- Berkowitz, L. (1990). On the formation and regulation of anger and aggression: a cognitive-neoassociationistic analysis, *American Psychologist*, 45: 494-503.
- Brody, G.H., Dorsey, S., Forehand, R. & Armistead, L. (2002). Unique and Protective Contributions of Parenting and Classroom Processes to the

- Adjustment of African American Children Living in Single-Parent Families, *Child Development*, 73:274–286.
- Burke, J.D., Pardini, D.A. & Loeber, R. (2008). Reciprocal relationships between parenting behavior and disruptive psychopathology from childhood through adolescence, *Journal of Abnormal Child Psychology*, 36, 679-692.
- Burt, C.H., Simons, R.L. & Simons, L.G. (2006). A Longitudinal Test of the Effects of Parenting and the Stability of Self-Control, Negative Evidence for the General Theory of Crime, *Criminology*, 44:353-396.
- Cheung, G.W., and Lau, R.S. (2008). Testing Mediation and Suppression Effects of Latent Variables: Bootstrapping With Structural Equation Models, *Organizational Research Methods*, 11(2): 296-325.
- Cobb-Clark, D. (2014). *Locus of Control and the Labor Market*. Melbourne Institute, University of Melbourne, IZA and Life Course Centre IZA Discussion Paper, No. 8678.
- Conrad, K.J., Riley, B.B., Conrad, K.M., Chan, Y.F. & Dennis, M.L. (2010). Validation of the Crime and Violence Scale (CVS) against the Rasch measurement model including differences by gender, race, and age, *Evaluation Review*, 34(2), 83-115.
- <http://dx.doi.org/10.1177/0193841x10362162>.
- Crosswhite-Gamble, J.M. (2005). *Mediating mechanisms: understanding the link between parenting and adolescent deviance*, PhD thesis in Developmental Psychology, Auburn, Alabama.
- Dadds, M.R., Mullins, M.J., McAllister, R.A. & Atkinson, E. (2003). Attributions, affect, and behavior in abuse-risk mothers: A laboratory study, *Child Abuse & Neglect*, 27: 21-45.
- De Ridder, D.T., De Boer, B.J., Lugtig, P., Bakker, A.B. & van Hooft E.A.J. (2011). Not doing bad things is not equivalent to doing the right thing: Distinguishing between inhibitory and initiatory self-control. *Personality and Individual Differences*, 50: 1006-1011.
- Dopkins Straight, A. & Neitzel, C. (2003). Beyond parenting: Co-parenting and hdddn's aaassroom djustmn, *International Journal of Behavioral Development*, 27, 31-40.
- Eyberg, S.M., Nelson, M.M. & Boggs, S.R. (2008). Evidence-based psychosocial treatments for children and adolescents with disruptive

- behavior, *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, 37 (1), 215-237.
- Gottfredson, M.R., & Hirschi, T. (1990). *A general theory of crime*, Stanford: Stanford University Press.
- Gudjonsson, G.H. (1984). Attribution of blame for criminal acts and its relationship with personality, *Pers. Ind. Diff.*, 5, 53-58.
- Gudjonsson, G.H., Singh, K.K. (1989). The revised Gudjonsson Blame Attribution Inventory, *Pers. Ind. Diff.*, 10, 67-70.
- Hay, C. (2001). Parenting, Self-Control, and Delinquency: A Test of Self-Control Theory, *Criminology*, 39: 707-736.
- Hirschi, T. (1969). *Causes of delinquency* (Transaction Publishers 2002 edition ed.) Berkeley: University of California Press.
- Hope, T.L. & Chapple, C.L. (2005). Maternal Characteristics, Parenting, and Adolescent Sexual Behavior: The Role of Self-Control, *Deviant Behavior*, 26:25-45.
- James, M., and Seager, J.A. (2006). Impulsivity and schemas for a hostile world: postdictors of violent behaviour, *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 50: 47- 56.
- Jones, E.E. (1979). The rocky road from acts to dispositions, *American Psychologist*, 34.2: 107-117.
- Jones, E.E. & Nisbett, R.E. (1971) *The Act and the Observer: Divergent Perceptions of the Causes of Behavior*, Morristown, NJ: General Learning Press.
- Jones, S., Cauffman, E. & Piquero, A. (2007). The Influence of Parental Support among Incarcerated Adolescent Offenders. The Moderating Effects of Self-Control, *Criminal Justice and Behavior*, 34:229-245.
- Kerrison, E.M. (2014). *The crux of context: an examination of how collateral consequences legislation impacts the desistance process*, PhD Thesis of Criminology, University of Delaware, Delaware.
- Kirchner, E.E. (2011). *Self-control theory: an exploration of racial disparities in offending*, MSc dissertation, University of Louisville, Louisville, Kentucky.

- Laible, D.J. (2004). Mother-Child's course surrounding a Child's Ptt Behavior at Months: Links to Emotional Understanding and Early Conscience Development at Months, *Merrill-Palmer Quarterly*, 50, 159-180.
- McMahan, R.J., Munson, J.A. & Spieker, S.J. (1997). The Alabama parenting Questionnaire: Reliability and validity in a high-risk longitudinal sample, Presented at the meeting of the Association for the advancement of Behavior therapy, Miami, Florida.
- Metcalfe, J. & Mischel, W. (1999). A hot/cool-system analysis of delay of gratification: dynamics of willpower, *Psychol. Rev.* 106 (1), 3-19.
- Patterson, G.R. (1982). *Coercive Family Process*, Eugene, OR: Castalia Publishing Company.
- Patterson, G.R. (1997). Performance Models for Parenting: A Social Interactional Perspective. Pp. 193-226. In *Parenting and Children's Internalization of Values: A Handbook of Contemporary Theory*, edited by Joan E. Grusec and Leon Kuczynski, Hoboken, NJ: John Wiley and Sons, Inc.
- Peersen, M., Gudjonsson, G.H. & Sigurdsson, JF. (2000), 'The relationship between general and specific attribution of blame for a "serious" act and the role of personality' *Nordic Journal of Psychiatry*, 54(1): 25-30, 10.1080/080394800427546.
- Piquero, A.R., Jennings, W.G., & Farrington, D.P. (2010). On the malleability of self-control: Theoretical and policy implications regarding a general theory of crime, *Justice Quarterly*, 27(6), 803-834.
- Sameroff, A.J. (2000). Developmental systems and psychopathology, *Development and Psychopathology*, 12, 297-312.
- Shelton, K.K., Frick, P.J. & Wootton, J. (1996). Assessment of parenting: parenting practices in families of elementary school-age children, *Journal of Clinical Child Psychology*, 25(3), 317-329.
- Simons, R.L. & Burt, C.H. (2011). Learning to be bad: Adverse social conditions, social schemas, and crime, *Criminology*, 49(2), 553-598.
- Snyder, J. & Patterson, G. (1987). Family Interaction and Delinquent Behavior, In *Handbook of Juvenile Delinquency*, edited by Herbert C. Quay, Oxford, England: John Wiley and Sons, Inc., 216-243.

- Snyder, J., Cramer, A., Afrank, J. & Patterson, G.R. (2005). The Contributions of Ineffective Discipline and Parental Hostile Attributions of Child Misbehavior to the Development of Conduct Problems at Home and School, *Developmental Psychology*, 41, 30-4.
- Straus, M.A. (1994). *Beating the Devil Out of Them: Corporal Punishment in American Families*, New York: Lexington Books.
- Tangney, J.P., Baumeister, R.F. & Boone, A.L. (2004). High Self-Control Predicts Good Adjustment, Less Pathology, Better Grades, and Interpersonal Success, *Journal of Personality*, 72 (2), 271-324.
- Wilson, J.Q. & Herrnstein, R. (1985). *Crime and human nature*, New York: Simon and Schuster
- Wortley, R. (2011). *Psychological Criminology an integrative approach*, Routledge, Oxon.
- Wortman, C.B. (1976). *Causal attribution and personal control*, in: J.H. Harvey, W.J. Ickes, R.F. Kidd (Eds.), *New Directions in Attribution Research*, Erlbau, New York, 23-52.
- Wright, B.R., Caspi, E.A., Moffitt, T.E. & Silva, P.A. (1999). Low Self-Control, Social Bonds, and Crime: Social Causation, Social Selection, or Both. *Criminology*, 37: 479-514.

